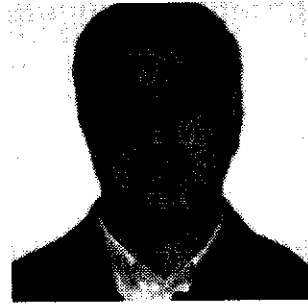


مقدمه

انسان به طور ذاتی در کنش متقابل با سایر اعضا و هموعان خود نیازهای خویش را برطرف می‌سازد، به طوری که بدون این تعامل، زندگی برای انسان‌ها مشکل است. دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی دقیق و کنجکاوانه، به شناسایی و بحث و بررسی این کنش‌ها در جوامع پرداخته‌اند و به عوامل قوام‌دهنده آن‌ها نام "سرمایه اجتماعی" نهاده‌اند. این مفهوم در برگیرنده مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و همیاری در میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را تشکیل می‌دهند و آن را به سوی هدفی ارزشمند هدایت می‌کنند. از این رو شناخت عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند به انسجام یا تشتت جامعه و پراکندگی آن کمک کند. اگر چه عبارت روح سرمایه‌داری، پیشینه درازی در علوم اجتماعی دارد، اما استفاده از این اصطلاح به مفهوم امروزی آن به ۸۰ سال پیش و به نوشته‌های لیندجی هانیفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا باز می‌گردد که این مفهوم را در ارتباط با اهمیت مشارکت و نقش آن در تقویت مدارس طراحی کرد. او می‌گوید: "چیزی که بیشترین آثار را در زندگی روزمره دارد حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هاست که سازنده واحد اجتماعی‌اند. اگر کسی با همسایه‌اش و همسایه‌اش با همسایگان‌ش تماس داشته باشد، حجمی از سرمایه اجتماعی انباشته خواهد شد که ممکن است بلافاصله نیازهای اجتماعی را برآورده سازد و شاید ظرفیت اجتماعی بالقوه‌ای باشد که برای بهبود و شرایط زندگی کل اجتماع کفایت کند." پس از آن این اصطلاح مدتی در ادبیات علوم اجتماعی به محاق رفت تا این که دوباره توسط کسانی چون جاکوب در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی در سال ۱۹۶۱ برای بیان شبکه‌های اجتماعی در هم فشرده در محدوده قدیمی و مختلط شهری مورد استفاده قرار گرفت؛ این شبکه‌ها اقداماتی در خصوص نفاقت عدم جرم و جنایت خیابانی، ارتقای بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با نهادها و ساختارهایی چون پلیس و نیروی انتظامی انجام می‌دادند. از جمله افراد دیگری که این اصطلاح را در دهه ۱۹۷۰ به کار بردند، گلن لوری و ایوان لایت، جامعه‌شناس بودند؛ گلن لوری اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای توصیف مشکل اقتصاد درون شهری به کار برد: "آمریکایی‌های آفریقایی‌الاصول در محدوده اجتماعات خود فاقد اعتماد و همبستگی بودند در حالی که برای آمریکایی‌های آسیایی‌الاصول و دیگر گروه‌های قومی این اعتماد و همبستگی وجود داشت. همین فقدان اعتماد و همبستگی در میان سیاهان مبین نبود داد و ستد جزئی در میان سیاهان بود." سپس این اصطلاح توسط جامعه‌شناسان دیگری چون جیمز کلمن و دانشمندان علوم سیاسی مانند پاتنام مورد استفاده قرار گرفت و الهام بخش اغلب کارهای بعدی شد و در دهه ۹۰ در میان دانشمندان رشته‌های علوم اجتماعی نیز مطرح شد. با این چرخش تئوریکه مقولات جدیدی چون سرمایه اجتماعی، مشارکت، اعتماد و غیره وارد ادبیات علوم اجتماعی شد، به طوری که تحت تأثیر این موج، فوکویاما تقسیم سنتی جهان را زیر سؤال برد و طبقه‌بندی جدیدی بر اساس میزان سرمایه اجتماعی ارائه داد و کشورها را به دو گروه کم اعتماد و پراستعداد تقسیم بندی کرد.^۳ در زیر به تعاریف ارائه شده از این موضوع، از دیدگاه اندیشمندان مختلف می‌پردازیم.

تعاریف

بی‌گمان تعریف دقیق و جامع سرمایه اجتماعی دشوار است. علت آن است که سرمایه اجتماعی مقوله‌ای نامرئی و نسبتاً غیر قابل اندازه‌گیری می‌باشد و در بیشتر موارد برحسب هدفی که دنبال می‌کنند، آن را تعریف می‌کنند. در برخی تلقی‌ها سرمایه اجتماعی شامل هر آن چیزی می‌شود که در قالب سرمایه انسانی و مادی نمی‌گنجد. به عنوان مثال بانک جهانی، سرمایه اجتماعی را در برگیرنده سیری از نهادها، روابط، شبکه‌ها و هنجارها می‌داند که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی جامعه را شکل می‌دهد.^۴ با این حال دانشمندان با نگاه‌های متعددی که به سرمایه اجتماعی داشته‌اند، از آن تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که در این جا به آن‌ها اشاره می‌شود. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی عبارت است از "ویژگی سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. وی یادآوری می‌کند که شاخص‌های سرمایه اجتماعی که برای مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها مناسب هستند، ممکن است برای مجموعه‌های فرهنگی دیگر کاملاً نامناسب باشند."^۵ اما از نظر جیمز کلمن سرمایه اجتماعی عبارت است از "قابلیت مردم برای همکاری به عنوان یک گروه و یا یک بخشی از یک سازمان برای اجرای پروژه‌هایی که نفعی مشترک برای آن‌ها دارند."^۶ آلبرت هیرشمن، سرمایه اجتماعی را منبعی اخلاقی می‌داند، یعنی منبعی که بر خلاف سرمایه فیزیکی به تبع استفاده، افزایش می‌یابد نه کاهش و در صورت مورد استفاده قرار نگرفتن نابود می‌شود. سرمایه اجتماعی یک کالای همگانی است، یعنی در مالکیت کسانی که از آن سود می‌برند نیست و توسط بخش



نقش نهادها و رفتارهای دینی در تقویت و انسجام سرمایه اجتماعی

برزین ضرغامی*

سرمایه اجتماعی اهمیت و نقش بسزایی در سلامت و انسجام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه‌ای دارد و بخش مهمی از معارف و دستورات ادیان الهی نیز به تبیین روش‌های زندگی اجتماعی و فردی ایده‌آل و مطلوب در جامعه و تحقق الگوی انسان کامل و شایسته در دنیا و آخرت اختصاص یافته است.

اسلام نیز به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، کمال مطلوب خود را ساختن و تشکیل یک جامعه انسانی مبتنی بر عدالت و برابری اعلام کرده و در آیات و روایات مختلف بر این اصل صحنه گذاشته است. همچنین بر موارد و موضوعات دیگری همانند برقراری شبکه مناسب ارتباط اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های انسانی، اعتماد عمومی و مشارکت جمعی در زندگی اجتماعی تأکید کرده است، با رعایت و اجرای این موارد، جامعه از همبستگی و انسجام عمومی برخوردار می‌شود و سلامت و رشد جامعه تضمین می‌گردد.

سرمایه اجتماعی در ایران از پیشینه دور و درازی برخوردار نیست و سابقه ورود و پیدایش آن در ادبیات علوم اجتماعی ایران به دهه ۹۰ می‌رسد، اما با توجه به پیوند مفهومی این موضوع با موضوعات اسلامی، این موضوع مورد استقبال علما و اندیشمندان رشته‌های مختلف قرار گرفته است به طوری که در احیاء و تبلیغ ابعاد آن کوشیده‌اند و آثاری نیز در این رشته تدوین و تحریر کرده‌اند.

جلبیت موضوع و نقش آن در همکاری و بازرندگی اجتماع از آفات و مضامین اجتماعی و قرابت موضوعات آن با موضوعات و مفاهیم اسلامی باعث توجه نگارنده شده است. از این رو در این نوشتار به بررسی و تأثیر نقش دین و نهادها و رفتارهای دینی در تقویت سرمایه اجتماعی و تأثیر مثبتی که باورها و اعتقادات مذهبی در تقویت این مسأله دارند، پرداخته است. نقش دین اسلام در طراحی و شکل‌دهی به قواعد مقررات اجتماعی و تعهد درونی افراد به رعایت دستورات و مقررات دینی، باعث پایبندی هر چه بیشتر گروه‌ها و در نتیجه سلامت و سرزندگی جامعه و پیوندهای اجتماعی بیشتر در میان آنان می‌شود.

خصوصی نیز تولید نمی‌شود.^۷

فرانسیس فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی شکل و نمونه غیر ملموسی از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود؛ هنجارهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای مانند مسیحیت یا آیین کنفوسیوس را در برگیرند.^۸

به هر حال سرمایه اجتماعی امروزه آن چنان اهمیت یافته که برخی آن را به ملات نگهداری ساختمان و برخی دیگر آن را به مثابه روغن برای یک چرخ دنده تشبیه کرده‌اند، یعنی بدون سرمایه اجتماعی حیات جامعه شکننده، پرهزینه و کم‌ثواب خواهد بود.

پیشینه مطالعاتی سرمایه اجتماعی در ایران
اوج شکوفایی موضوع سرمایه اجتماعی به دهه ۹۰ آن هم در کشورهای اروپایی بازمی‌گردد، از این رو طبیعی است با توجه به عمر نه چندان طولانی آن در دنیا، در ایران نیز مطالعات زیادی درباره آن انجام نشده باشد. اما با توجه به اهمیت موضوع و نقش و تأثیر مثبت آن در همگرایی میان گروه‌های اجتماعی، تلاش‌های گسترده‌ای برای بسط و عینی کردن این مفهوم در جامعه صورت گرفته و در مجلات علمی و پژوهشی کشور مقالات زیادی حول این موضوع چاپ و منتشر شده است. با این حال تعداد کتاب‌های تألیفی یا ترجمه شده در این زمینه محدود است به طوری که می‌توان گفت شمار آن‌ها به ده جلد نمی‌رسد. از دیگر تلاش‌های انجام شده در زمینه بسط دامنه این مفهوم در جامعه، برگزاری همایشی در بهار سال گذشته توسط وزارت کشور با عنوان «ارتقاء سطح سرمایه اجتماعی» بوده است. همچنین در این زمینه یک نظرسنجی هم توسط وزارت کشور، به منظور ارزیابی سطح سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها و مدارس انجام شده است. در این خصوص، زمینه‌سنجی دیگری هم هست که به تازگی توسط مرکز افکارسنجی جهاد دانشگاهی کشور انجام شده و نتیجه آن نیز هنوز منتشر نشده است.

اما در این بررسی، آنچه مورد نظر است، پرداختن به بحث سرمایه اجتماعی از منظر جغرافیای سیاسی و در چارچوب یک نگاه دینی است که امید است با توجه به چارچوب‌های این موضوع، گامی در راستای تکمیل پژوهش‌های قبلی باشد.

عوامل مؤثر بر تکوین سرمایه اجتماعی

بحث بر سر این است که سرمایه اجتماعی چگونه تولید می‌شود، از کجا می‌آید و چگونه تکوین می‌یابد؟ گفتیم که سرمایه اجتماعی حاصل کنش و تعامل افراد است البته باید به این نکته توجه داشت که

مشارکت در هنجارهایی باعث تولید سرمایه اجتماعی می‌شود که اساساً سجاییابی از صلادته اعتماد ادای تمهد و ارتباط دو جانبه در آن‌ها وجود داشته باشد. به علاوه این هنجارها تقسیم پذیرند یعنی تنها می‌توانند در میان گروهی از همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران. سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد اما می‌تواند به طرق مختلف توزیع شود. سرمایه اجتماعی با متغیرهای جامعه‌شناختی چون اعتماد آگاهی، نگرانی درباره دیگران، مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی ارتباط دارد و مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه مولد است و به طور ذاتی در ساختار کنشگران با هم و رابطه بین آن‌ها وجود دارد. تئیراتی که در روابط اشخاص به وجود می‌آید کنش میان آنان را تسهیل می‌کند. اگر سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و در یک قالب مادی قابل مشاهده ریخته می‌شود و اگر سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در مهارت‌ها و دانش اخذ شده به وسیله فرد حضور دارد سرمایه اجتماعی به مراتب ناملموس‌تر است زیرا در روابطی که بین اشخاص برقرار است یافت می‌شود.^۹

سرمایه اجتماعی برای خلق شدن مستلزم زمان و استمرار است و خواستگاه‌های متفاوتی دارد که عبارتند از:

۱. خواستگاه فرهنگی - دینی: از جمله عوامل تشکیل دهنده و قوام دهنده یک ملت در دنیای امروز، ارزش‌ها، باورها، زبان، تاریخ و فرهنگ مشترک میان گروه‌هاست. چیزهایی که در طول تاریخ شکل گرفته‌اند و باعث پیوند و نزدیکی بیشتر این گروه‌ها به یکدیگر می‌شوند و افراد گروه به وسیله آن‌ها پیوندی ذهنی و درونی برقرار می‌کنند به طوری که این موارد بخشی از زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد و نسل به نسل منتقل می‌شود و از عوامل مؤثر بر تکوین سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد.
۲. خانواده آموزش و پرورش، انجمن‌ها و گروه‌های فنی و حرفه‌ای: این نهادها نیز سهم عملی در تکوین سرمایه اجتماعی دارند و هر کلام از آن‌ها ضمن آموزش و دعوت افراد و گروه‌ها به موضوعات و مسائل مختلف و با انجام تمهد مربوطه، زمینه پابندی اعضا به این آموزش‌ها را در جامعه فراهم می‌کنند و موجب پیوند و اعتماد متقابل آنان به یکدیگر می‌شوند.
۳. دولت و نهادهای دولتی: دولت و نهادهای دولتی نیز به طور غیر مستقیم و با استفاده از ابزارهای مختلفی چون تعریف و تثبیت حقوق مالکیت و امنیت عمومی به ترویج و تحکیم سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند.
۴. بسترهای فراگیر جهانی: از دیگر خواستگاه‌های

تکوین سرمایه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه جهانی شدن است چون جهانی شدن نه فقط حامل سرمایه، بلکه حامل اندیشه و فرهنگ نیز هست و اگر چه به فرهنگ‌ها و سنت‌های بومی لطمه می‌زند با این حال تفکرات و رویه‌های جدیدی را نیز با خود به همراه می‌آورد.

۵. جنگ‌ها و حوادث طبیعی: از دیگر خواستگاه‌های تکوین سرمایه اجتماعی، جنگ‌ها و حوادث طبیعی هستند که باعث همگرایی و نوع دوستی گروه‌های مختلف می‌شوند.

۶. افزایش رفاه و بهبود شرایط اقتصادی: یکی دیگر از عوامل و خواستگاه‌های سرمایه اجتماعی، افزایش سطح زندگی و شاخص‌های اقتصادی مردم یک جامعه است. به زعم اینگلهارت، با بهبود شرایط اقتصادی و ظهور فرهنگ پست ماتریالیسم (که در آن حداقل نیازهای همگانی تأمین می‌شود) عناصر فرهنگی حامی و مقوم دموکراسی که عبارتند از رفاه ذهنی، اعتماد بین اشخاص و ارزش‌های پست ماتریالیسم، به وجود می‌آیند.^{۱۰}

شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند بعدی است. با توجه به این چند بعدی بودن و پیچیدگی آن، ارائه یک مقیاس واحد و راستین از سرمایه اجتماعی بسیار مشکل است. علاوه بر آن دلایلی مانند تغییر و تحول ماهیت و اشکال سرمایه اجتماعی در طی زمان، تغییر موازنه بین سازمان‌های رسمی و غیر رسمی و نیز عدم وجود یک کار مقایسه‌ای در گذشته مزید بر این پیچیدگی می‌شوند. اما با این وجود، متدها و اسلوب‌های مختلفی برای این منظور طراحی و تدوین شده‌اند که عبارتند از: تعداد تشکل‌ها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و عضویت افراد در این نهادها و همچنین ارزش‌ها و هنجارهایی که این مبادلات را تسهیل می‌کنند. بولینگ تک نفره در کتابی به نام پاتنام هشت شاخص جنگاگانه برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی بر می‌شمرد: ۱. درصد افرادی که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کنند؛ ۲. درصد افرادی که روزنامه می‌خوانند؛ ۳. درصد افرادی که معتقدند بیشتر افراد جامعه قابل اعتماد هستند؛ ۴. درصد افرادی که بدون دریافت دستمزد در یک پروژه محله‌ای یا یک کارگروهی مشارکت کرده‌اند؛ ۵. درصد افرادی که عضو یک گروه یا انجمن شهروندی هستند؛ ۶. درصد افرادی که به سیاست علاقمند هستند؛ ۷. درصد افرادی که مرتب به کلیسا می‌روند؛ ۸. درصد افرادی که به طور مرتب به کلوب یا باشگاه می‌روند.^{۱۱} از دیگر تلاش‌های انجام شده برای ارزیابی و سنجش سرمایه اجتماعی، کاری است که توسط اونیکس و

بولن انجام شده است. آن‌ها به منظور ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح اجتماعی، پرسش‌نامه‌ای برای ایالت نیوساوهولز استرالیا تهیه کردند و در آن هشت عامل بنیادین تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی برای یک فرد را به طور جداگانه استخراج نمودند:

۱. مشارکت در اجتماع محلی؛ ۲. فاعلیت در متن اجتماع؛ ۳. احساس اعتماد و امنیت؛ ۴. ارتباطات همسایگی؛ ۵. مراد و رابطه یا فامیل و دوستان؛ ۶. ملارا کردن با تنوع؛ ۷. ارزش زندگی؛ ۸. روابط و پیوندهای شفلی.

به علاوه برای تخمین ذخیره سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، یک روش جایگزین وجود دارد و آن اندازه‌گیری انحرافات اجتماعی یا به عبارتی نبود سرمایه اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوای و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات، عدم انجام فرایض مذهبی، دروغ، تهمت و ... است. محسن رنایی در مقاله سقوط سرمایه اجتماعی برای بحث در مورد مسائل اقتصاد ایران، این مشکلات را در ۵ مقوله دسته‌بندی و مطرح کرده است و برای دولت ۵ وظیفه برشمرده که عبارتند از: ۱. امنیت داخلی و خارجی؛ ۲. انتشار ابزار رسمی معامله؛ ۳. تعریف استانداردها، مقیاس‌ها و معیارها؛ ۴. حفاظت از حقوق مالکیت؛ ۵. داشتن دستگاه اداری و داور و دادگستری و رسیدگی سریع، قاطع، فوری و کم هزینه. وی سپس در جمع‌بندی خود در مورد اقتصاد ایران، اعلام می‌کند در همه این موارد شاهد سقوط سرمایه اجتماعی در ایران هستیم و مشکل اصلی اقتصاد ایران را نیز در سقوط سرمایه اجتماعی می‌داند.^{۱۳}

کارکردهای سرمایه اجتماعی

کارکردهای سرمایه اجتماعی را در ۳ سطح خرد، کلان و میانه مورد بررسی و مناقه قرار داده‌اند. در سطح کلان بیشتر توجه محققان و پژوهشگران به برشمردن و احصاء تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی و خصلت دموکرات رژیم‌های سیاسی بوده است. در سطح میانه عمدتاً به مباحث مربوط به رابطه سرمایه اجتماعی و رفتار جمعی گروه‌های قومی و نژادی، تفاوت میان نسل‌های مختلف و نیز چگونگی تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر فرصت‌های اجتماعی افراد ساکن در محلات پرداخته و توجه کرده‌اند و بالآخره در سطح خرد، محققان تلاش کرده‌اند رابطه میان سرمایه اجتماعی و موفقیت‌های شفلی، تحصیلی، درآمد و رضایت از زندگی را مطرح کنند.^{۱۴}

دین اسلام و سرمایه اجتماعی

دین اسلام مجموعه برنامه‌ای از بایدها و هسته‌هاست که دارای مبنا و جانی هستند و از طرف

خداوند به عنوان خالق و دانای هستی بدون تغییر و انحراف در هیچ یک از مراحل دریافت، انتقال و ابلاغ توسط حضرت رسول اکرم (ص) به دست ما رسیده است و طبیعی است که این دین با توجه به نیازهای اولی، ثابت و غیرقابل تغییر بشریت نازل شده است.^{۱۵} با توجه به فضای فرهنگی اجتماعی حاکم بر جزیره‌العرب و تأکید اسلام بر برابری، عدالت، مساوات، تقوی، امر به معروف و نهی از منکر، گروه‌های بسیاری از مردم به دین اسلام گرویدند و دیری نپایید که این دین، جهانی و عالم‌گیر شد. از عوامل اساسی گرایش به دین اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:^{۱۶}

۱. انگیزه‌های گریز از عوامل اختلال در زندگی مطلوب، مانند فساد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سیستم فرمانروایان و ظلم اقتصادی و دینی: این عوامل گریبان‌گیر جوامع بسیاری بوده و در گریز به سوی اسلام تأثیر داشته است. به عنوان مثال، اختلافات و کینه‌توزی‌های خونبار مردم در جوامع پیش از اسلام، بخصوص در میان اعراب و ساکنان شبه جزیره عربستان و جنگ‌های طولانی و تحمیلی فرساینده باعث جذب مردم به سوی اسلام گشت.
۲. انگیزه‌های محرک در مکتب اسلام: از دلایل دیگر پذیرش دین اسلام، انگیزه‌های محرک در دین اسلام بوده است. تردیدی نیست که نخستین بار دین اسلام بود که حقوق پایه‌ای سه‌گانه حق حیات، حق کرامت و حق آزادی معقول را مطرح ساخت. همچنین تأکید اسلام بر علم‌آموزی و آموزش دانش و معرفت و نیز سادگی، فطری و خردپسند بودن دستورات اسلام از دلایل پذیرش آن بود.

اسلام نظم عمومی جامعه بشریت را بر پایه اخلاق استوار می‌دارد و در تنظیم عبادات و معاملات پیوسته نظر مردم را به تأمین خیر و نیکوکاری و نیکومنشی سوق می‌دهد و ایشان را از شر آفات و مفسدات بر حذر می‌دارد. همه احکام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

این دین، بر اساس آنچه خداوند به نفع بشر مقرر فرموده تنظیم شده است.^{۱۷} با دقت به هنجارها و ارزش‌های اسلامی و تجزیه و تحلیل محتوا و پیام دین اسلام، مشاهده می‌کنیم جوهر درونی دین اسلام، رستگاری و کمال انسان‌ها و اعتقاد به خداوند و ساختن جامعه‌ای برابر و عاری از ظلم و ستم است. این توصیه‌ها چه در قالب اخلاق و چه در قالب احکام و معاملات و عبادات، مجموعه کاملی از آن چیزی است که امروزه در جوامع مختلف به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح است. این شاخص‌ها در ادیان مختلف بویژه دین اسلام به طور تکامل یافته مطرح شده‌اند.

سرمایه اجتماعی در اسلام

اغلب مطالعات انجام شده در خصوص سرمایه اجتماعی بر نقش دین و رفتارهای دینی در تکوین و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند و نتایج همه آن‌ها نشان می‌دهد افراد مذهبی و معتقد به باورها و نگرش‌های دینی، آمادگی بیشتری برای کمک به دیگران دارند. دیگر این که نهادهای مذهبی با برگزاری اجتماعات و گردهمایی‌های مختلف و نیز سازماندهی فعالیت‌های خیریه به رشد سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند. مثلاً در این زمینه می‌توان به کلیسای کاتولیک در فرانسه اشاره کرد که به مدت چند قرن بر تمامی نهادهایی که در امر یاری‌رسانی به فقرا و سایر افرادی که با محدودیت‌های جسمی روبرو بودند نظارت داشت. باورها و رفتارهای مذهبی از عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه اجتماعی است و این دو، ارتباط معناداری با هم دارند؛ سرمایه‌های اجتماعی با افت رفتارها و باورها دچار نقصان می‌شوند. هنجارها و ارزش‌های اسلامی و نهادهای دینی نقش مؤثری در تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی دارند که در ذیل به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. تأکید بر انسجام خانواده و واگذار کردن مسئولیت خانواده بر عهده مرد: دین اسلام تأکید بسیاری بر انسجام خانواده و برقراری روابط عاطفی بین اعضای خانواده و والدین و فرزندان دارد و مسئولیت تأمین نیازهای اقتصادی را به مرد واگذار کرده است، امری که امروزه از مشکلات اساسی جوامع غربی است و از آن با عنوان فروپاشی بزرگ یاد کرده‌اند؛ یکی از تفاوت‌های اصلی جامعه صنعتی ژاپن با جوامع غربی و مزیت آن بر جوامع غربی، همین تأکید بر انسجام خانواده‌هاست، به طوری که کی‌کوان‌یو از نخست‌وزیران پیشین سنگاپور و ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر سابق مالزی هر دو استدلال کرده‌اند که پیشرفت اقتصادی در آسیا به کمک ارزش‌های آسیایی به دست آمده است.^{۱۸}

۲. داشتن نظام اقتصادی مشخص و تأکید بر مساوات و برابری: اقتصاد طبقاتی از نظام اقتصادی بی‌بهره است زیرا نظام اقتصادی به طور اصولی تبعیض‌های ناروا و ظالمانه و فاصله‌های طبقاتی را نمی‌پذیرد و برای کار و تلاش اهمیتی خاص قائل است. اسلام جمع‌آوری مال پاکتر را جایز ندانسته و فرمان می‌دهد تا در راه خدا انفاق کنند. هدف از این انفاق‌ها و بخشش‌ها پر کردن فاصله طبقاتی است، یا به تعبیر اسلام آن‌که فقیر، غنی شود. اسلام هیچ نوع رابطه مبتنی بر زیان را میان انسان‌ها در هیچ مورد از جمله در روابط مالی و اقتصادی نمی‌پذیرد و مالکیت منابع طبیعی همانند زمین، معادن، رودخانه‌ها، آب‌های زیرزمینی، جنگل‌ها و... را متعلق به امام یا حکومت حقیقی اسلام می‌داند.^{۱۹} سرمایه اجتماعی از طریق هنجارهایی که منبث از دین اسلام است، باعث تنظیم روابط اقتصادی و مساوات در جامعه و در نتیجه دور کردن اعضای جامعه از نزدی، رشوه و... می‌شود. همچنین در دین اسلام پرداخت زکات، فطریه و خمس نیز از دیگر اهرم‌هایی است که باعث تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه و در نتیجه عدم ایجاد شکاف طبقاتی و تبعیض اقتصادی می‌شود.

۳. دولت و نهادهای دولتی: در اسلام مقبولیت هر دولتی در کشور، در گرو خدمات و تسهیلاتی است که آن دولت برای شهروندان خود به وجود می‌آورد. هر مقدار این کالا و خدمات با هزینه کمتری در اختیار مردم قرار گیرد، دولت از مقبولیت و مشروعیت بیشتری برخوردار می‌شود. از جمله موارد ناکارایی دولت‌ها، تعارض میان کارگزاران و سیاستمداران، فساد اداری و کارایی پایین دولت است. در حکومت اسلامی تفاوتی بین حاکم و سایر اعضای جامعه نیست و همه افراد در مقابل یکدیگر مسئول هستند و دولت اسلامی موظف است با بسترسازی و جلب اعتماد اعضای جامعه، زمینه همگرایی بیشتر در میان آنان را فراهم آورد و از این طریق باعث افزایش

سرمایه اجتماعی در جامعه شود.

۴. تأکید بر نظم و تقوی: در روایات اسلامی به نظم و تقوای الهی سفارش بسیاری شده است. نظم را می‌توان حالتی از استقرار عناصر و اجزای اجتماع دانست که به صورتی هماهنگ و مکمل عمل می‌کنند و با عدم تداخل در کارکرد دیگر اجزاء روند قابل پیش‌بینی اتفاقات آینده را تسهیل می‌سازند.^{۲۰} این موضوع در اسلام به قدری مهم است که در جای‌جای روایات و احادیث اسلامی و در قرآن کریم بر آن تأکید شده است. نظم و تقوی باعث می‌شود جامعه از بی‌ثباتی و بی‌پروایی و هرج و مرج پرهیز کند و با کم کردن هزینه‌ها، زمینه افزایش اعتماد را فراهم آورد. آنچه بر شمرده شد، مصادیقی از توجه دین اسلام به ارزش‌ها و هنجارهایی است که باعث همگرایی بیشتر در میان گروه‌های مختلف جامعه می‌شود، به طوری که می‌توان گفت آنچه امروزه از آن با عنوان ملات جامعه یا سرمایه اجتماعی نام می‌برند، به عینه در ارزش‌ها، هنجارها و باورهای اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

سلامت و همبستگی جوامع در گرو حفظ و حراست از ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و مقرراتی است که طی ادوار مختلف به تدریج در آن جوامع، تدوین و تنظیم شده و شکل گرفته‌اند. هر چه پایبندی به این ارزش‌ها بیشتر باشد، میزان همبستگی در میان آن جوامع نیز بیشتر می‌شود و اعتماد عمومی در میان اعضاء آن افزایش می‌یابد، در نتیجه زمینه جرم و جنایت کمتر می‌شود و هزینه‌های امنیتی-انتظامی نیز کاهش می‌یابند. دستورات دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، مبتنی بر ساختن جامعه‌ای انسانی و ایده‌آل است که در آن برابری و عدالت حاکم باشد و هیچ کس به دیگری ظلم و ستم نکند و حقی از فردی ضایع نشود و حرمت و کرامت همه یاس داشته شود. به همین دلیل

بدیهی است در صورتی که ارزش و هنجارهای اسلامی در جامعه‌ای درونی شوند، مانع و رادعی مناسب جهت بازدارندگی افراد از کارهای خلاف عرف و عفت می‌شوند، همچنین هر چه پایبندی افراد به این هنجارها بیشتر باشد، به همان میزان جامعه از سلامت بیشتری برخوردار خواهد بود. اگر به شاخصه‌های منفی سنجش سرمایه اجتماعی نگاهی بیفکنیم، درمی‌یابیم این موضوعات از جمله مواردی است که دین اسلام به صراحت پیرامون خود را از ارتکاب آن‌ها برحذر داشته است. پس می‌توان با قاطعیت گفت

سرمایه اجتماعی با متغیرهای جامعه‌شناختی چون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران، مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام و همبستگی گروهی ارتباط دارد و مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون به شمار می‌رود

مسلمانان از غنی‌ترین میراث و گنجینه سرمایه اجتماعی که همانا قرآن کریم و سنت رسول الله (آیات و روایات اسلامی) است، برخوردار هستند و می‌توانند با تمسک به آن‌ها و اجرای فرامین اسلامی، از بالاترین میزان سرمایه اجتماعی در جامعه برخوردار گردند.

* دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
پانویس‌ها:

۱. تاج‌بخش، کیان: سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکسار و حسن پویه، ۱۳۸۴، ص ۳۴۴، تهران، نشر شیرازه.
۲. فوکویاما، فرانسیس: پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۰، انتشارات جامعه.
۳. کاظمی، عبدالمحمد: سرمایه اجتماعی در ایران، ۱۳۸۳، صص ۹-۱۰، انتشارات دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. خضری، محمد: دولت و سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱، بهار ۱۳۸۵، ص ۳۴.
۵. فوکویاما، فرانسیس: پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، ۱۳۷۹، صص ۳۸۰ و ۳۴۴، انتشارات جامعه.
۶. همان، ص ۳۶۴.
۷. همان، ص ۳۸۲.
۸. همان، ص ۱۷۰.
۹. تاج‌بخش، کیان: سرمایه اجتماعی، ۱۳۸۴، صص ۵۴-۵۵، انتشارات شیرازه.
۱۰. قاسمی، محمدعلی: اعتماد و نظم اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سی‌ام، بهار ۸۴، ص ۳۱.
۱۱. کاظمی، عبدالمحمد: سرمایه اجتماعی در ایران، ۱۳۸۳، صص ۱۸، انتشارات دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. تاج‌بخش، کیان: سرمایه اجتماعی، ۱۳۸۴، صص ۵۶-۵۷، تهران، انتشارات شیرازه.
۱۳. رزائی، محسن: سقوط سرمایه اجتماعی و بحران عقلانیت و امتناع برنامه در ایران، مجله آفتاب، ۱۳۸۱، صص ۲۵-۲۶.
۱۴. کاظمی، عبدالمحمد: سرمایه اجتماعی در ایران، ۱۳۸۲، صص ۲۱-۲۰، انتشارات دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. صاحبی، محمدجواد: جهانی شدن و دین، ۱۳۸۲، صص ۴۳۹، انتشارات قم، احیاگران.
۱۶. موقی، سیداحمد: استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۷۵، صص ۱۶-۱۵، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۷. شلتوت، علامه محمد: سیری در تعالیم اسلام، ترجمه سید خلیل خلیلیان، ۱۳۶۱، صص ۴۲۷، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۱۸. فوکویاما، فرانسیس: پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۰، انتشارات جامعه.
۱۹. هاشمی‌نژاد سیدعبدالکریم: مناظره دکتر و پیرو، ۱۳۸۱، صص ۲۰۵، انتشارات تهران، فراهانی.
۲۰. قاسمی، محمدعلی: اعتماد و نظم اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۸۴، ص ۲۷.